

تعزیه و سوگ سیاوش

نوشتار : شارمین مهرآذر
Sh.mehrazar@yahoo.com

پیش از بازگویی نوشتار لازم است بدانید شیعه دین نبوده بلکه سیاستی بوده برضد اسلام و سنت تا عناصر ایرانی را زنده نگه دارند که شوربختانه طی چند سده به ویژه دوران صفوی از آن به نام دین رسمی کشور بهره گیری شده که از واقعیت اصلی خود دور بوده است البته گفتار در مورد این موضوع نیاز به جستاری دیگر دارد، که در این جا به موضوعی پرداخته می‌شود که میتوان آنرا از زیرکیهای ایرانیان و شعوبیان دانست که با فراست ویژه خود آیین های ایرانی را به گونه ای دیگر به وسیله شیعه وارد عقاید مذهبی مسلمانان کردند.

تعزیه ها دربارہ چهره های مقدس نوشته میشوند. نامی ترین داستان پهلوانی(حماسی) و کهن ایران از این دست، داستان شاهزاده سیاوش، فرزند کیکاوس است که ضالمانه به دست افراسیاب پادشاه توران، کشته شد(فردوسی بزرگ به گستردگی آن را توصیف کرده است). مرگ او بویژه تراژیک است، زیرا سیاوش تنها برای رهایی از چنگ حسادت نامادری و بدگمانی پدر خود به دربار افراسیاب پناه آورده است و مرگ او و همسرش فرنگیس، دختر افراسیاب را که پنج ماه باردار است(کیخسرو شاه آینده ایران) تنها برجای میگذارد. سیاوش ضمن یک رویا پایان تراژیک کار خود را پیش بینی میکند و به فرنگیس میگوید که کشته خواهد شد و کسی بر تو مویه نخواهد کرد.

کیکاوس پادشاه ایران و پدر سیاوش ، با شنیدن خبر مرگ فرزند خود میگرید و یقه خود را پاره میکند و دیگر پهلوانان از قبیل توس، گودرز، گیو، گرگین و دیگران نیز لباس سابه میپوشند. رستم از شدت اندوه از هوش میرود و رسماً به مدت یک هفته سوگواری میکند، سپس سوگند میخورد که با درهم کوبیدن افراسیاب و راه انداختن رودی از خون در توران، انتقام قتل سیاوش را بگیرد.

بدین سان، سوگ سیاوش که فردوسی آن را توصیف کرده است، سوگواری مردم ایران در از دست رفتن شاهزاده ای جوان و دوست داشتنی است که قربانی یک دسیسه شده است نبود او به داستانی عاطفی تبدیل شده و در شاهنامه جایگاهی بلند یافته است. افسانه سیاوش، ریشه در ایران باستان دارد و نام او "سیاورشن" بارها در اوستا آمده است. سوگ سیاوش تا سده دهم میلادی در آسیایه میانه رسمی کاملاً جا افتاده بود و مراسم گرامیداشت آن با آواز برگزار میشد. همچنین گزارش شده که مردم سغد ، سالی یکبار مراسم سوگ سیاوش را برگزار میکردند، در این مراسم به سر و صورت خود میزدند و به مردگان خوراک و نوشاک تقدیم میکردند.

ادامه این سنت سوگواری عاطفی در دوران اسلامی که در گرامیداشت یک شهید برگزار میشود ، به بهترین وجه در تعزیه مسلمانان شیعه تجلی میابد که در ماه محرم(ماه نخست قمری) برگزار میگردد، برای شهادت امام سوم خود حسین نوه پیامبر اسلام و خاندانش سوگواری میکنند. واقعیت تاریخی پشت این تراژدی با درگذشت پیامبر اسلام در سال ۶۳۲ میلادی و شکافی که بدنبال این رخداد در جامعه مسلمین پدید میآید آغاز میشود. شکاف میان کسانی که ترجیح میدادند جانشین پیامبر از راه انتخابات تعیین شود(سنی) و گروهی که باور داشتند این مسئله از راه ارث تعیین میشود(شیعه). شیعیان علی داماد پیامبر و چهارمین جانشین(خلیفه) پس از او را ، جانشین مشروع پیامبر میدانستند. پس از آنکه علی و فرزند ارشدش امام حسن هر دو کشته شدند، فرمانروای سنی ، یزید، به خلافت رسید و پایتخت را به دمشق منتقل کرد.

مردم کوفه، حسین فرزند جوانتر علی که از دیدگاه شیعیان جانشین مشروع بود دلگرمی(تشویق) کردند که بر ضد خلافت شورش کند و برای بدست آوردن حق فرمانروایی به بدست خاندان علی بجنگد. حسین و پیروانش در راه کوفه ، در دشت کربلا واقع در جنوب غربی بغداد با یزید و لشکریان سترگ او روبرو شدند. حسین و خاندان پیروانش به مدت ده روز در این بیابان بدون آب زنده ماندند ولی سرانجام بدست یزید و ارتش او بیرحمانه به شهادت(در داستانهای تراژیک به کشته شدن فرد دلخواه شهادت گویند) رسیدند.

آزمایش سخت بیابان در نخستین روز ماه محرم آغاز شد و شهادت خونین آنها در دهم همان ماه رویداد که به روز عاشورا سرشناس است.

این مراسم سوگواری از سده دهم میلادی در بغداد متداول بوده است. همزمان با دوران حکومت صفویان در ایران در سده ۱۶ میلادی و با تبدیل شدن اسلام شیعی به دین رسمی کشور، مراسم سوگواری محرم رسماً در تعزیه ادغام شد. این سنت در پایان سده نوزدهم و اوایل سده بیستم به اوج خود رسید و تا به امروز دست نخورده بجا مانده است.

بازیگران حرفه ای که همه مرد بودند، در سراسر سال به ویژه ماه محرم به بازیگری سرگرم بودند و نمایش های خود را در مسجد، بازار یا بنای ویژه ای به نام تکیه اجرا میکردند. معروفترین این تکیه های تکیه دولت بود که در سال ۱۸۶۹ زیر نگر و با پشتیبانی ناصرالدین شاه قاجار و براساس الگوی آلبرت هال در لندن ساخته شد. به هنگام نمایش تعزیه امام حسین و خاندانش چندین هزار نفر در تکیه گرد می آمدند و در تعزیه بیشتر داستان زندگی و کردار سایر شهدای شیعه نیز نمایش داده میشد. یکبار دیگر، استمرار یک سنت باستانی، یعنی آیین سوگواری، ریشه در سنتهای گذشته ای دور دارد. سوگواری برای امام حسین و سایر شهدای شیعه، جای سوگ سیاوش را گرفت.

ادوارد براون یکی از پژوهشگران بزرگ نوشتارهای ایرانی، این تعزیه را تکان دهنده توصیف کرده است. وی تعزیه بی بی شهربانو، دختر افسانه ای آخرین پادشاه ساسانی، یزدگرد سوم (۶۳۳-۵۱) را نقل میکند که به همسری امام حسین شیعیان در آمد. وی به دلیل افسانه اجداد ایرانی خود، بویژه در میان ایرانیان محبوبیت دارد.

یاری نامه ها

۱- شاهنامه

۲- تاریخ ادبی ایران ص ص ۸-۱۹۷

۳- اسطوره های ایرانی/وستا کرتیس

۴- شناخت اساطیر ایران/هینلز/ سوگ سیاوش و ارتباط آن با مرگ رویه ۳۵۰

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi>